



توراه اور • پاراشاها מקץ • مامار 9

רני ושמחי בת ציון כי הנני בא

«بخوان و شادمان باش، ای دخترِ
صهیون، زیرا اینک من می آیم»



تقديم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربّه، رب لیوی بیتسحاق

LikuteiTorah.com



پاراشای حسیدی

/likuteitorah.com/fa/torah-ohr/mikeitz/9

1 **רני ושמחי בת ציון כי הנני בא. להבין ענין רני ושמחי וגם מה ענין זה להפטורת חנוכה שמתחילין ברני ושמחי וגו' והיה להתחיל מן ראיתי והנה מנורת זהב וגו' שבסוף הפרשה.**

«سرودی بخوان و شادمان باش، ای دختر صهیون، زیرا اینک من می‌آیم.» [باید] معنای «سرودی بخوان و شادمان باش» را دریابیم. همچنین، این چه ارتباطی با هفتاره (הפטרه, haftarah) חנוכה (חנוכה, Chanukah) دارد که با «سرودی بخوان و شادمان باش» و غیره آغاز می‌شود؟ می‌بایست از «دیدم، و اینک منورایی (מנורה, menorah) از طلا» و غیره آغاز می‌شد که در پایان این بخش آمده است.

2 **وהענין הוא דכתיב עבדו את ה' בשמחה באו לפניו ברננה. ואיתא בזהר שמחה בצפרא ורננה ברמשא. וצריך להבין מהו צפרא ומהו רמשא מהו שמחה ומהו רננה.**

توضیح چنین است: نوشته شده است: «ה' را با شادی خدمت کنید؛ با سرودخوانی (رنנה, renanah) به حضور او بیایید.» و در زوهار آمده است: «شادی در صبح (צפרא, tzafra) و سرودخوانی در شامگاه (رمשא, ramsha).» باید فهمید صبح چیست و شامگاه چیست، شادی چیست و سرودخوانی چیست.

وיובן בהקדים כי מודעת זאת שעבודת המלאכים היא רנה וזמרה בשירות ותשבחות כנודע מענין פרק שירה שכל הברואים אומרים שירה.

این مطلب با بیان مقدمه‌ای روشن می‌شود: چنان‌که معروف است، خدمت فرشتگان سرود و نغمه (رנה و زمרה, rinah ve-zimrah)، همراه با آواها و ستایش‌هاست؛ چنان‌که از موضوع Perek Shirah (פרק שירה) معروف است، که همهٔ آفریده‌ها سرود می‌خوانند.

3 **וכן המלאכים שבכל עולם עד رום המעלות כולם אומרים שירות ותשבחות ברנה וזמרה. וענין رנה זו היא גילוי עוצם תשוקתם**

و همچنین فرشتگان در هر عالمی، تا بلندترین مراتب، همگی سرودها و ستایش‌ها را با آواز و نغمه می‌خوانند. معنای این آواز، آشکارشدن شدت اشتیاق آنان است،

להיות נכספה וגם כלתה נפשם לדבקה בו ית' ולהתכלל באור א"ס ב"ה ותמיד כל ימיהם עומדים בתשוקה זו בלי הפסק מחמת שאין להם אהבה ותשוקה אחרת

تا آنجا که جانشان «مشتاق است و حتی بی‌تاب می‌شود» که به او، که متبارک است، پیوند یابند و در نور بی‌پایان (اور אין سوف, Or Ein Sof)، که متبارک است، جذب شوند. و همواره، در سراسر روزگارشان، بی‌وقفه در این اشتیاق به‌سر می‌برند، زیرا عشق و اشتیاق دیگری ندارند.

וגם אין להם עבודה אחרת כמו תומ"צ [תורה ומצוות] שהם בחינת המשכה מלמעלה למטה רק עבודתם היא השתוקקות נפשם ממטה למעלה

و نیز خدمت دیگری ندارند، مانند تورات (תורה، Torah) و فرایض (מצוות، mitzvos)، که از سنخ امتداد از بالا به پایین‌اند؛ بلکه خدمت آنان اشتیاق جانشان از پایین به بالاست.

ותשוקה זו היא ברנה וזמרה כנודע מענין הניגון שהוא ענין התפעלות הלב (כי יש ניגון של שמחה ויש של מרירות כו')

و این اشتیاق با آواز و نغمه همراه است، چنان‌که از موضوع نغمه (نیגון، niggun) شناخته است؛ نغمه عبارت است از برانگیختگی قلب (زیرا نغمه‌ای از شادی هست و نغمه‌ای از تلخی [نیز] هست و غیره).

وهנה זו היא בחי' חיצוניות כנודע ע"ד משל מי שהוא עומד בפנים בבית המלך מה לו להגיד ולספר בשבחו רק כשיצא לחוץ ידבר ויספר בשבחו להפליא ולהגדיל גודל עוצם שבח המלך כמה הוא גדול ומתפעל כו'

این، جنبه بُعد بیرونی (حיצוניות، chitzoniyus) است، چنان‌که از راه تمثیل شناخته است: آن‌که درون خانه پادشاه ایستاده است، چه نیازی دارد که ستایش او را بگوید و بازگو کند؟ تنها وقتی به بیرون برود، از ستایش او سخن می‌گوید و آن را بازمی‌گوید تا آن را بستاید و بزرگی عظمت ستایش پادشاه را نمایان سازد، که او چه قدر بزرگ است؛ و به هیجان می‌آید و غیره.

وهוא ענין מ"ש וצדקתך ירננו שהרנה היא בבחי' צדקתך כי צדק היא מלכותא קדישא (מאזני צדק פי' שיש בחינת מאזנים ששוקלים בחינת עומ"ש [עול מלכות שמים] שנמשך לכל חד וחד לפום שיעורא דיליה)

و این معنای آن چیزی است که نوشته شده است: «و از عدالت تو سرود خواهند خواند»؛ سرودخوانی در مرتبه «عدالت تو» است، زیرا عدالت (צדק، tzedek) همان فرمانروایی مقدس (ملכות، Malchus) است. («ترازوهای عدالت» یعنی جنبه‌ای از ترازوها وجود دارد که مرتبه یوغ فرمانروایی آسمان را می‌سجد؛ یوغی که به هر فرد، به اندازه ویژه خودش، امتداد می‌یابد).

וכתיב צדק מלאה ימינך כי מלכותך מלכות כל עולמים כתיב שאין ערך לבורא עם נברא להיות הנבראים מקבלים חיות מן הבורא ית' אלא ע"י בחינת מלוכה שלפי שהוא ית' מלך עליהם הם חיים וקיימים.

و نوشته شده است: «دست راست تو از عدالت آکنده است»؛ زیرا نوشته شده است: «ملכות تو ملכות همه عوالم است». زیرا هیچ تناسبی میان آفریننده و آفریده نیست، به‌گونه‌ای که آفریدگان بتوانند نیروی حیات را از آفریننده، که متبارک است، دریافت کنند، مگر از طریق مرتبه فرمانروایی: چون او، که متبارک است، پادشاه آنان است، زنده‌اند و وجود دارند.

4 וזהו מלכותך מלכות כל עולמים וממשלתך בכל דור ודור עולמים הם בחינת מקום ודור דור הוא בחי' זמן הכל נמשך מבחי' מלכותך שהרי הזמן והמקום הם נבראים ומחודשים מאין ליש.

و این است [معنای] «فرمانروایی تو فرمانروایی همه عوالم است، و سلطه تو در هر نسل و نسلی است»: «عوالم» مرتبه مکان اند و «نسل [و] نسل» مرتبه زمان است؛ همه چیز از مرتبه «فرمانروایی تو» جریان می یابد. زیرا زمان و مکان آفریده شده اند و از نیستی به هستی پدید آمده اند.

שקודם בריאת העולם לא היה בחי' זמן ומקום כלל ולא היו יכולים להיות נבראים שהם בעלי גבול בבחי' זמן ומקום

زیرا پیش از آفرینش جهان، اصلاً مرتبه زمان و مکان وجود نداشت؛ و موجوداتی که در محدوده زمان و مکان قرار دارند، نمی توانستند آفریده شوند،

אלא ע"י בחי' מלכותו ית' שבה שייך בחי' זמן מלך מלך ימלך כו' משא"כ באוא"ס [באור אין סוף] ב"ה עצמו שכשמו כן הוא אין לו סוף כו'.

مگر از طریق مرتبه فرمانروایی او، که متبارک باد؛ زمان به این مرتبه تعلق دارد: «فرمان می راند، فرمان راند، فرمان خواهد راند» و غیره. اما درباره خود نور بی پایان (اور אין سوف، Or Ein Sof)، متبارک باد، چنین نیست؛ زیرا همان گونه که نامش است، خود او نیز همان گونه است: او را پایانی (سوف، sof) نیست و غیره.

5 ולפי שהחיות נמשך מבחי' מלכותו ית' היא בחי' צדק לכך מלאה ימין בחי' ימין וחסד

و از آنجا که نیروی حیات (حיות، chayus) از مرتبه / جنبه (בחינה، bechinah) فرمانروایی (מלכות، Malchus) او، که متبارک است، کشیده می شود، و این همان **בחינה צדק** (tzedek؛ عدالت) است، از این رو: «دست راستت پُر است»؛ **בחינה** راست و مهر (חסד، Chesed).

כמאמר מכלכל חיים בחסד וכתוב ואתה מחיה את כולם וצבא השמים לך משתחווים פי' כי לפי שאתה מחיה את כולם לכך וצבא השמים לך משתחווים בבחי' בטול והתכללות.

چنان که گفته شده است: «او با **חסد** زندگان را پایدار می دارد»؛ و نوشته شده است: «و تو به همگان حیات می بخشی و سپاه آسمان در برابر تو سر فرود می آورند». مقصود این است: چون تو به همگان حیات می بخشی، از این رو «سپاه آسمان در برابر تو سر فرود می آورند»، در مرتبه خودنهی گری (ביטול، bittul) و استغراق.

6 והנה בחי' בטול זה הוא באור א"ס ב"ה הנמשך ומתלבש בבחינת מלוכה להחיותם כי אליו ולא למדותיו כו'

اکنون این خودنفي گری (بیטول, bittul) رو به نور بی پایان (اور אין سوف, Or Ein Sof) دارد، که او متبارک است و برای حیات بخشیدن به آنان، فروکشیده می شود و در مرتبه (بחינה, bechinah) فرمانروایی پوشیده می گردد؛ زیرا [این خطاب] «به سوی اوست، نه به سوی صفاتش»، و الی آخر.

וזהו זכר רב טובך יביעו וצדקתך ירננו פי' טובך הוא השפעה וחיות שנמשך מעולם ועד עולם

و این [معناي] «يادِ نيكي فراوانِ تو را بر زبان خواهند آورد و از عدالتِ تو سرود خواهند خواند» است. «نيكي تو» جريان فيض و نیروي حیات (حيوت, chayus) است که از عالمی به عالم دیگر جاری می شود،

כמ"ש אמרו צדיק כי טוב שהטוב הוא בחינת צדיק שהוא המקשר ומשפיע מעולם ועד עולם כמו שכתוב כי כל בשמים ובארץ ותרגומו דאחיד כו'

چنان که نوشته شده است: «دربارهٔ پارسا بگویند که نیکوست»؛ «نيكي» مرتبهٔ پارسا (צדיק, tzaddik) است، که پیوند می دهد و از عالمی به عالم دیگر فیض می رساند؛ چنان که نوشته شده است: «زیرا هرآنچه در آسمان و زمین است»، و ترگوم آن [این عبارت را چنین] «آن که محکم نگاه می دارد» ترجمه می کند، و الی آخر.

ורב טובך היינו כמה רבוא רבבות מדרגות עד אין קץ שהן בבחינת השתלשלות וירידת המדרגות מעולם ועד עולם עד שיאיר اور א"ס ב"ה בבחינת מלכותו להוות ולהחיות נבראים עד אין קץ.

و «نيكي فراوانِ تو» یعنی دهزارها بر دهزارها مرتبه، بی پایان؛ مراتبی که به شیوهٔ زنجیرهٔ نزولِ عوالم (השתלשלות, hishtalshelus) و فرود آمدنِ مراتب از عالمی به عالم دیگر قرار دارند، تا آن گاه که نور بی پایان، که او متبارک است، در مرتبهٔ فرمانروایی او بتابد و آفریدگانِ بی حد و حصر را به وجود آورد و حیات بخشد.

7 והנה פי' זכר רב טובך היינו שרק בחי' זכר והארה מבחינת רב טובך יביעו ולכך ירננו

اکنون معنای «يادِ خير فراوانِ تو» این است که آنان تنها جنبه (بחינה, bechinah) از «ياد (זכר, zecher)» و پرتویی از **بחינה** «نيكي فراوانِ تو» را جاری می سازند؛ از این رو «سرود می خوانند»،

שמשותקים ונכספים להתכלל באור א"ס ב"ה שאומרים איה מקום כבודו כו' רק שאין להם השגה באור א"ס ב"ה עצמו אלא ע"י בחינת מלוכה ובחינת צדקתך.

זیرا مشتاق و آرزومندند که در نور بی‌پایان (אור אין סוף, Or Ein Sof), که متبارک است، مستغرق شوند؛ چنان‌که می‌گویند: «جایگاه جلال او کجاست؟» و الی آخر. با این حال، خودِ اور אין סוף، که متبارک است، برایشان قابل ادراک نیست، مگر از طریق مرتبة فرمانروایی (בחינה) و مرتبة «عدالت تو» (בחינה).

8 וזהו רננה ברמשא רמשא היא מדת לילה היא בחינת מלכותו ית' מלכותך מלכות כל עולמים מלשון העולם כו' וע"ז רמזו בגמרא שצריך להזכיר מדת לילה ביום

و این [معنای] «سرودخوانی در شامگاه» است. «شامگاه» صفتِ شب است، و جنبه فرمانروایی او، تبارک باد، است: «فرمانروایی تو فرمانروایی همه جهان‌ها (עולמים, olamim) است؛ واژه «جهان» با واژه پوشیدگی (העלם, helem) هم‌ریشه است، و جز این. و به همین نکته جمارا اشاره کرده است [با این سخن] که باید صفتِ شب را در روز یاد کرد،

דהיינו כמו שמבואר בזוהר לאכללא כו' שע"י שמשיגים החשך וההעלם של אא"ס [אור אין סוף] ב"ה ישת חשך סתרו לכך הם משותקים ונכספים אליו ית' וכמ"ש נפשי אויתך בלילה פי' שאומר להקב"ה הרי נפשי אתה לכך אויתך.

یعنی، چنان‌که در זהר توضیح داده شده است، «برای دربرگرفتن»، و جز این: از آنجا که آنان تاریکی و پوشیدگی نور بی‌پایان، تبارک باد (אור אין סוף, Or Ein Sof) را درمی‌یابند، «او تاریکی را پناهگاه خویش ساخت»، از این‌رو مشتاق و خواهان او، تبارک باد، می‌شوند. و چنان‌که نوشته شده است: «جانم، شبانگاه تو را می‌خواهم»؛ یعنی به قدوس متبارک (קב"ה / קודשא בריך הוא, Kudsha Brich Hu) می‌گویند: «اینک، تو جان منی؛ از این‌رو تو را می‌خواهم.»

מפני שהחיות הזה הוא מוסתר בבחינת לילה והעלם ולכך תגדל התשוקה והכוסף להיות אויתך וכנודע שלא שייך אהבה ותשוקה להתאות תאוה אלא במי שחסר לנפשו הדבר שמתאוה אליו.

از آنجا که این نیروی حیات (חיות, chayus) در جنبه شب و پوشیدگی پنهان است، اشتیاق و خواست بسیار فزونی می‌گیرد تا انسان در حالت «تو را می‌خواهم» باشد. و چنان‌که دانسته است، عشق و اشتیاق، یعنی «میل کردن به میل»، تنها درباره کسی صدق می‌کند که جانش از چیزی که مشتاق آن است محروم باشد.

9 וזהו ענין בואו לפניו ברננה ממטה למעלה לצאת מנרתק הגוף ולבושי נפש הבהמית לדבקה בו ית' ע"י רננה בבחינת רמשא ומדת לילה היא בחינה שמוסתר ומלוכש בה אור א"ס ב"ה בבחינת העלם והסתר.

و این است معنای «با سرود به پیشگاه او بیایید»: از پایین به بالا، بیرون آمدن از غلاف جسم و جامه‌های نفیس حیوانی (نפש הבהמית، Nefesh HaBahamis) و پیوستن به او - که متبارک باد - از راه سرود، در مرتبه شامگاه و صفت شب؛ مرتبه‌ای که نور بی‌پایان (اور אין سوف، Or Ein Sof) - که متبارک باد - در آن پنهان است و در پوشش قرار دارد، در مرتبه نهان بودن و اختفا.

10 وזהו ענין בשכמל"ו [ברוך שם כבוד מלכותו לעולם ועד] ואהבת וגו' דהיינו שלבבו יבין איך שברוך ונמשך שם הארה מאור א"ס ב"ה להיות כבוד מלכותו והארה ההיא היא לעולם ועד למטה עד אין קץ כו'

و این است معنای «مبارک باد نام شکوه فرمانروایی او تا ابدالآباد» و «و دوست بدار»، و جز اینها: یعنی دل او باید دریابد که چگونه «مبارک» - یعنی فرودآمده - است «نام»، پرتویی از نور بی‌پایان (اور אין سوف، Or Ein Sof)، که متبارک است؛ تا شکوه فرمانروایی او باشد؛ و آن پرتو «تا ابدالآباد» است، تا پایین و بی‌انتهای، و جز اینها،

שעי"ז יבוא לאהבה את הוי"ה הוא אור א"ס ב"ה ממש להיות אלהיך בכל לבבך ובכל נפשך וגו' לאדבקה רוחא ברוחא.

تا از این راه به عشق‌ورزیدن به نام چهارحرفی (ה', Havayah) برسد، که خود نور بی‌پایان ب"ה است، و [او] «ه' تو» باشد، «با تمام دل خود و با تمام جان خود»، و جز اینها، «تا روح به روح بپیوند».

אך כל זה הוא בבחינת ממטה למעלה בואו לפניו שאזי הוא ברננה וכך צריך להיות תחילת עבודת האדם כברייתו של עולם בריש' חשוכא והדר נהורא

اما همه اینها در حرکت از پایین به بالا است: «به حضور او آید»؛ حرکتی که در آن «سرودخوانی» است. از این رو، آغاز خدمت انسان نیز باید چنین باشد، همانند آفرینش جهان: «نخست تاریکی، و سپس روشنایی».

מדת יום היינו המשכת אור א"ס ב"ה מלמעלה למטה להתלבש בעולמו' [בעולמות] אבי"ע [אצילות בריאה יצירה עשה] בחינת עבדו את ה' בשמחה שזהו יתרון ומעלת הנשמות על המלאכים שהמלאכים אין להם רק בחינת רנה בלבד שהיא בחי' העלאה והתכללות ממטה למעלה

صفت روز، یعنی فرودآوردن نور بی‌پایان ب"ה از بالا به پایین، تا در عوالم عالم صدور (اצילות، Atzilus)، عالم آفرینش (برיאה، Beriah)، عالم صورت‌بخشی (יצירה، Yetzirah) و عالم عمل (عשה، Asiyah) پوشیده شود، جنبه «Havayah را با شادی بندگی کنید» است. این همان برتری و فضیلت نفوس بر فرشتگان است؛ زیرا فرشتگان تنها جنبه سرودخوانی را دارند، یعنی صعود و پیوستن از پایین به بالا،

משא"כ נשמת ישראל יש להם עבודה נוספת בבחי' המשכה מלמעלה למטה מהעולם אל הגילוי שכל שמחה היא התגלות הפנימיות וכו'

حال آنکه نفویس اسرائیل خدمتی افزون دارند: فرودآوردن از بالا به پایین، از نهان به آشکار؛ زیرا هر شادی‌ای آشکارشدنِ بُعدِ درونی (پنیمיות، pnimiyus) است، و جز اینها،

کنودع שבחי' שמחה זו היא מהמשכת اور א"ס ב"ה בתומ"צ [בתורה ומצות] (שנתנו לישראל דוקא משא"כ המלאכים בקשו תורה תנה הודך על השמים ולא ניתן כו').

چنان‌که شناخته است، این شادی از فرودآمدنِ نورِ بی‌پایانِ ب"ה در تورات (تורה، Torah) و فرمان‌ها (מצוות، mitzvos) سرچشمه می‌گیرد؛ هر دوی آن‌ها به‌ویژه به اسرائیل داده شدند، برخلافِ فرشتگان که تورات را خواستند و گفتند: «شکوهت را بر آسمان‌ها قرار ده»، اما به آنان داده نشد، و جز اینها.

وكم"ש והיו הדברים האלה אשר אנכי מצוך היום וגו' אנכי מי שאנכי כו'

و چنان‌که نوشته شده است: «و این سخنان را که من (Anochi, אנכי) امروز به تو فرمان می‌دهم»، و جز اینها؛ «من، آن‌که من هستم»، و جز اینها،

כי הגם שממטה למעלה כתיב בואו לפניו ברננה שא"א להיות בחי' העלאה והתכללות כ"א בבחי' צדקתך ובחי' רננה ברמשא אבל מלמעלה למטה اور א"ס ב"ה מאליו וממילא נמשך גם מבחי' אנכי מי שאנכי כי לפניו ית' כחשיכה כאורה.

زیرا هرچند دربارهٔ حرکت از پایین به بالا نوشته شده است: «با سرودخوانی به حضور او آیید»، چراکه صعود و پیوستن تنها در جنبهٔ «عدالتِ تو» و جنبهٔ «سرودخوانی در شامگاه» ممکن است؛ بااین‌همه، از بالا به پایین، نورِ بی‌پایانِ ب"ה خودبه‌خود و به‌طور طبیعی فرود می‌آید، حتی از جنبهٔ «من، آن‌که من هستم»؛ زیرا در پیشگاه او، که متبارک است، «تاریکی همچون روشنایی است».

11 וכמ"ש המשפילי לראות בשמים ובארץ שמים וארץ روحניות וגשמיות הכל שוה לפניו ית' השוה ומשוה קטן וגדול.

چنان‌که نوشته شده است: «آن‌که [خود را] فرو می‌آورد تا به آسمان و زمین بنگرد»؛ آسمان و زمین، معنویت و مادیت، همه در پیشگاه او، مبارک باد، برابرند؛ «آن‌که یکسان است و کوچک و بزرگ را یکسان می‌سازد».

והמשכה זו היא ע"י תומ"צ [תורה ומצות] הדברים האלה אשר אנכי וגו' רמ"ח מצות הם רמ"ח איבריך דמלכא דהיינו כמשל האיברים שבהם מלובשת הנשמה ובהמשכת האברים נמשכת גם הנשמה המלובשת בהם.

و این کشیده شدن نور از بالا به پایین به واسطه تورات و فرمان‌ها (מצות, mitzvos) است: «این سخنان که من (انכי, Anochi) ...». ۲۴۸ فرمان (מצות, mitzvos) «۲۴۸ اندام پادشاه» هستند؛ یعنی، بنا بر تمثیل اندام‌هایی که نفس در آن‌ها جای گرفته است، با کشیده شدن اندام‌ها، نفس جای گرفته در آن‌ها نیز کشیده می‌شود.

وדרך כלל נחלקים לג' קוין חסד דרוע' [דרועא] ימינא היא בחי' צדקה כו' ותורה היא קו הממוצע (וכנודע שהתורה היא בחינת אברים הפנימי' ושאר מצות הם אברי' [אברים] החיצונים כו').

به‌طور کلی، آن‌ها به سه خط تقسیم می‌شوند: «مهر (חסد, Chesed) بازوی راست است»؛ و این جنبه کمک خیریه (צדקה, tzedakah) است، و جز آن؛ و تورات خط میانه است. (چنان‌که دانسته است، تورات جنبه اندام‌های درونی است، حال آن‌که دیگر **מצوت** اندام‌های بیرونی‌اند، و الی آخر).

וזהו עבדו את ה' הוא א"ס ב"ה הנמשך אורו מלמעלה למטה בתורה ועבודה כו' בשמחה היא שמחה של מצוה ואמרו רז"ל [רבوتינו זכרונם לברכה] וכן לדבר הלכה והשמחה היא מבחי' גילוי אוא"ס [אור אין סוף] ב"ה ממש על נפשם כו'.

و این [معناي] «به ه' خدمت کنید» است: بی‌نهایت مطلق (אין סוף, Ein Sof)، مبارک باد، که نورش از بالا به پایین در تورات و خدمت [الهی] کشیده می‌شود، و جز آن. «با شادی»: این شادی یک فرمان (מצוה, mitzvah) است؛ و حکیمان ما، یادشان مبارک، گفته‌اند: «و نیز در بحثی از احکام تورات (הלכה, halachah)». این شادی از آشکار شدن خود نور بی‌پایان (אור אין סוף, Or Ein Sof)، مبارک باد، بر جان آنان سرچشمه می‌گیرد، و جز آن.

והיינו ע"י כי באו לפניו ברננה תחלה כנ"ל והכתוב מדבר מלמעלה למטה עבדו את ה' בשמחה והיאך תבואו למדרגה זו כשתבאו לפניו ברננה:

و این به واسطه آن است که نخست «با سرودخوانی به پیشگاه او بیایید»، چنان‌که پیش‌تر گفته شد. آیه از بالا به پایین سخن می‌گوید: «ה' را با شادی خدمت کنید»؛ و چگونه به این مرتبه خواهید رسید؟ هنگامی که «با سرودخوانی به پیشگاه او بیایید».

12 ובזה יובן מ"ש רני ושמחי בת ציון כי כנ"י [כנסת ישראל] בגלות נק' בת ציון. וביאור ענין ציון יובן

בהקדמי [בהקדים] להבין מ"ש ימלוך ה' לעולם אלהיך ציון לדור ודור הללו יה.

با این بیان، معنای این آیه روشن می‌شود: «ای دختر صهیون، آواز شادی سر ده و شادمان باش؛ زیرا جماعت اسرائیل در تبعید «دختر صهیون» نامیده می‌شود. و توضیح معنای «صهیون» از راه فهم نخست این آیه روشن می‌شود: «ه' تا ابد فرمان خواهد راند؛ ای صهیون، ه' تو، نسل به نسل؛ هلولیا.»

وביאור הענין כי להיות ימלוך ה' לעולם בחינת מקום לדור ודור בחינת זמן היינו ע"י בחינת ציון.

توضیح مطلب این است که [برای آنکه] «ه' تا ابد (لעולם, le'olam) فرمان براند»، یعنی جنبه مکان، و «از نسلی به نسل دیگر»، یعنی جنبه زمان، این امر از طریق جنبه صهیون تحقق می‌یابد.

כי הגה כתיב בצלמנו כדמותנו הן רמ"ח פקודין רמ"ח אברין דמלכא והיינו רוחניות המצות ורוחניות התורה כמן שהן למעלה באור א"ס ב"ה שהן הן בצלמנו ממש.

زیرا نوشته شده است: «به صورت ما و به شابهت ما»؛ این همان «۲۴۸ فرمان، ۲۴۸ اندام پادشاه» است. یعنی روحانیت فرمان‌ها (מצות, mitzvos) و روحانیت تورات، آن‌گونه که در بالا، در نور بی‌پایان (اور אין סוף, Or Ein Sof) - که خود او متبارک است - هستند، به راستی همان «به صورت ما» هستند.

אך גשמיות המצות כמו שנתלבשו בענינים גשמיים ציצית של צמר ותפלין על הקלף הם רק בחינת ציון מלשון סימן כמו ציון המצוינת

اما جنبه جسمانی מצות، آن‌گونه که در امور مادی جای گرفته‌اند - **ציצית** (tzitzis) از پشم و **تفילین** (tefillin) بر پوست مخصوص نوشتن - تنها جنبه «صهیون» هستند؛ صهیون به معنای نشانه (ציון, tziyun)، چنان‌که در عبارت «صهیون ممتاز» آمده است (המצוינת, ha-metzuyenes).

דהיינו שהמצות הגשמיות הם רומזים להרוחניות שבהם ועל ידם נמשך רוחניות اور א"ס ב"ה

یعنی **מצות** جسمانی به روحانیتی که درون آن‌هاست اشاره می‌کنند، و به واسطه آن‌ها روحانیت نور بی‌پایان - که متبارک است - به پایین کشیده می‌شود،

כמו טלית וציצית של צמר בבחינת עטה اور כשלמה לבושיה כתלג חיור ושער רישיה כעמר נקא כי ציצית הן בחינת שערות כו'.

مانند **טלית** (tallis) و **ציצیت** پشمی، از جنبه «خود را در نور چون جامه‌ای می‌پوشاند»، «جامه‌اش چون برف سفید است و موی سرش چون پشم پاکیزه»؛ زیرا **ציצیت** ها جنبه موها هستند و غیره.

13 וע"ד זה כל המצות וכן התורה ע"י עסק התורה בגשמיות שנתלבשה בענינים גשמיים נמשך אור תורה העליונה הרוחנית שמדברת בענינים רוחניים.

و به همین ترتیب، همه فرمان‌های دینی (מצות, mitzvos) و نیز تورات (تורה, Torah): از راه پرداختن به تורה در صورت جسمانی‌اش، آن‌گونه که در امور جسمانی پوشیده شده است، نور تורה برین و روحانی، که از امور روحانی سخن می‌گوید، فرود آورده می‌شود.

وהרי התורה והמצות גשמיות הם סימנים וציונים להروحניות. ובהן ועל ידן נמשך אור התורה והמצות מרוחניות לגשמיות והן הן בחי' מקור להיות בחי' מקום וזמן.

بنابراین، تورات و מצות جسمانی، نشانه‌ها و علامت‌هایی (ציונים, tziyunim) از امور روحانی‌اند. در آن‌ها و به واسطه آن‌ها، نور تורה و מצوت از عالم روحانی به عالم جسمانی فرود آورده می‌شود؛ و خود آن‌ها سرچشمه پیدایش مکان و زمان‌اند.

14 וע"ד זה תקנו רז"ל [רבوتינו זכرونם לברכה] ברכות המצות לפני כל מצוה ברוך אתה וכו' כי ברוך מלשון המברך הגפן שכופף ראש הזמורה לארץ ומשם צומח גפן אחר והיינו בחי' השפעה והברכה מעולם ועד עולם

بر همین اساس، حکیمان ما، که یادشان گرامی باد، مقرر کردند که پیش از هر فرمان الهی (מצוה, mitzvah) برکت‌های آن گفته شود: «مبارک هستی تو»، و مانند آن. واژه «مبارک» (ברוך, baruch) از تعبیر «خوابانده تاک» (המברך, ha-mavrich) گرفته شده است؛ او سر شاخه را به زمین خم می‌کند و از همان‌جا تاک دیگری می‌روید. این همان جنبه فیض‌رسانی و برکت (برכה, berachah) از عالمی به عالم دیگر است.

לכן כתיב גבי יוסף ויקראו לפניו אברך לפי שהיה צדיק המקשר ומשפיע ומברך מעולם ועד עולם.

ازاین‌رو، درباره یوسف (یوسف) نوشته شده است: «پیشاپیش او ندا دادند: ابرך (Avrech)»، زیرا او مردی پارسا بود که عوالم را به هم پیوند می‌داد و فیض می‌رساند و از عالمی به عالم دیگر امتداد می‌یافت (مברیک, mavriach).

15 וענין ברכה זו הוא להיות המשכה והברכה מעולם ועד עולם כדי להיות גילוי מלך העולם להיות בחינת עולם בבחינת מלך

مقصود از این برکت آن است که فیض و برکت از عالمی به عالم دیگر فرود آید، تا «شاه جهان (عולם, olam)» آشکار شود؛ یعنی جنبه «جهان» در مقام «شاه» قرار گیرد،

דהיינו שיהא גילוי מלכותו ית' נראה לעין כל העולם שלא יהא העולם בבחינת העלם והסתר על בחינת מלוכה.

یعنی پادشاهی او، متبارک باد، در برابر دیدگان سراسر جهان آشکار باشد، تا جهان در وضعی نباشد که جنبه پادشاهی را بپوشاند و پنهان سازد.

וכדי להיות גילוי זה אומרים ברוך שיהא ברוך ونמשך בחינת הוי"ה בבחינת אלקינו ומשם יצמח גילוי בחינת מלוכה כמו ענין הברכת הגפן הני"ל.

و برای آن که این آشکاری پدید آید، «مبارک» می‌گوییم؛ تا جنبه نام چهارحرفی (ה', Havayah) «مبارک» شود، یعنی به جنبه «**אלקינו**» (Elokeinu) فرود آورده شود؛ و از آنجا آشکاری جنبه پادشاهی بروید، همچون مطلب شاخه خوابانی تاک که پیش‌تر یاد شد.

16 והנה כשיש אתערותא דלתתא אזי נק' כנסת ישראל בבחי' ציון וסימן לאור הרוחני הנשפע ونמשך בה.

اکنون، هنگامی که برانگیختگی از پایین (אתערותא דלתתא, isarusa dilesata) پدید می‌آید، جماعت اسرائیل در مرتبه «**صهیون**» خوانده می‌شود و نشانه‌ای است از نور روحانی‌ای که در او جاری می‌شود و به درویش کشیده می‌شود.

אבל בגלות נקרא' [נקראת] בת ציון שהיא רק בחינת מקבל מבחי' ציון

اما در تبعید، او «**دختر صهیون**» خوانده می‌شود، زیرا فقط در مرتبه دریافت‌کننده از مرتبه صهیون است.

וכנודע בזוהר מענין איש מזריע תחילה יולדת נקבה דהיינו כשאין אתערותא דלתתא שאזי היא בחינת בת משא"כ ולציון יאמר איש ואיש וגו' אשה מזרעת תחלה יולדת זכר בחי' חסדים

چنان‌که از زوهر (זהר) درباره [این تعلیم] شناخته شده است: «اگر مرد نخست نطفه بیفشاند، زن دختری می‌زاید»؛ یعنی هنگامی که برانگیختگی از پایین نباشد، او در مرتبه «**دختر**» است. اما چنین نیست [در مورد] «و درباره صهیون گفته خواهد شد: «مرد و مرد...» و جز این؛ «اگر زن نخست نطفه بیفشاند، پسری می‌زاید»؛ مرتبه مهربانی‌ها (חסדים, chassadim)،

דהיינו בהקדים בחינת ریנה وשמחה כנ"ל להיות בואו לפניו ברננה בבחי' רננה ברמשא ממטה למעלה.

یعنی با پیش‌گرفتن مرتبه سرود و شادی، چنان‌که [در بالا توضیح داده شد]، تا [در حالت] «با سرود شادمانه به حضور او بیایید» باشند؛ در مرتبه «سرود در شامگاه»، از پایین به بالا.

17 וע"ד זה תקנו פסוקי דזמרה להקדים שבחו של מקום כדי שיתפעל הלב. וכן יוצר אור וענין קדושת

המלאכים

بر همین سیاق، [حکیمان] آیاتِ سرود (פסוקי דזמרה, Pesukei deZimrah) را مقرر کردند تا نخست ستایش آن که در همه جا حاضر است به میان آید و دل به جنبش افتد. همین طور [برکت] آفریننده نور (יוצר אור, Yotzer Or) و موضوع تقدیس فرشتگان (קדושה, Kedushah):

איך כי והאופנים ברעש גדול כו' הכל הוא בבחי' ממטה למעלה בבחינת רינה לצאת מנרתק הגוף ולבושי נפש הבהמית כו'

از جمله این که «اوفانیم (اوپנים, Ofanim) با غوغایی بزرگ...» و غیره: همه اینها در حالت صعود از پایین به بالا است، در جنبه سرودخوانی، برای بیرون آمدن از غلاف بدن و جامه های نفیس حیوانی (نפש הבהמית, Nefesh HaBahamis) و غیره.

ואח"כ היא עבודת השמחה בגילוי אוא"ס [اور אין סוף] ב"ה ממש על נפשו בק"ש [בקריאת שמע] וכو'

و پس از آن، خدمت شادی می آید؛ در خواندن شماع (קריאת שמע, Shema)، نور بی پایان (اور אין סוף, Or Ein Sof) - که خود او مبارک است - بر نفیس او آشکار می شود و غیره.

משא"כ כשלא تוקדם בחי' הרינה אזי לא תשכון גלוי השמחה רק היא בחינת נקבה ומקבל מאתערותא دلעילא שהרי מ"מ מאתערותא دلעילא יורד ونמשך אוא"ס [اور אין סוף] ב"ה בכל מצוה שעשה וכדכתיב למעני למעני اعשה

اما اگر جنبه سرودخوانی مقدم نشود، آشکار شدن شادی در آن جای نمی گیرد؛ بلکه آن صرفاً جنبه ای مؤنث و پذیرنده از برانگیختگی از بالا (אתערותא دلעילא, isarusa dileila) است. زیرا به هر حال، از برانگیختگی از بالا، اور אין סוף - که مبارک است - فرود می آید و به هر فرمان دینی (מצוה, mitzvah) که شخص انجام داده است جاری می شود؛ چنان که نوشته شده است: «به خاطر من، به خاطر من، [آن را] انجام خواهم داد.»

אלא שאינו כ"א בבחי' חיצוניות משא"כ בואו לפניו להיות נכלל בבחי' פנימיות אינו אלא ברננה.

جز این که این تنها در بُعد بیرونی (חיצוניות, chitzoniyus) است؛ اما «به حضور او بیایید» تا در بُعد درونی (פנימיות, pnimiyus) مستغرق شود، تنها «با سرودخوانی» ممکن است.

18 וזהו שבא הנביא לנחם את בני ישראל אפי' [אפילו] בזמן הגלות שנק' בת ציון ולא ציון שאעפ"כ [שאף על

פי כן] רני ושמחי והיינו מפני כי הנני בא כו'

و از همین روست که پیامبر آمد تا فرزندان اسرائیل را حتی در زمان تبعید تسلی دهد؛ زمانی که آنان «دختر صهیون» خوانده می‌شوند، نه «صهیون»؛ باین‌همه: «سرود بخوان و شادمان باش». و این از آن روست که «زیرا اینک می‌آیم» و غیره.

כי הנה יש אתערותא דלעילא שהיא לעילא לעילא מקום שאין אתערותא דלתתא מגעת שם כלל הוא

בחי' סובב כל עלמין ומשם יומשך גילוי שפע ואוא"ס [ואור אין סוף] ב"ה גם בבחינת בת

زیرا اینک، برانگیختگی از بالا (אתערותא דלעילא, isarusa dileila) وجود دارد که بس فراتر است (לעילא לעילא, le'eila le'eila)؛ در جایی که برانگیختگی از پایین (אתערותא דלתתא, isarusa dilesata) اصلاً به آن نمی‌رسد. این همان مرتبه / جنبه (בחינה, bechinah) نوری است که همه عوالم را فرا می‌گیرد (סובב כל עלמין, sovev kol almin). و از آنجا، آشکارشدن جریان فیض و نور بی‌پایان (اور אין סוף, Or Ein Sof)، که او متبارک است، حتی به **بחינה** «دختر» نیز فروفرستاده خواهد شد.

וזה יהיה לעתיד לבא שנא' [שנאמר] הנה ישכיל עבדי ירום ונשא וגבה מאד ונחה עליו روح ה' וגו'

והריחו וגו'.

و این در زمان آینده رخ خواهد داد، چنان‌که گفته شده است: «اینک بنده من کامیاب خواهد شد؛ او رفعت خواهد یافت و برافراشته خواهد شد و بسیار بلند خواهد بود»؛ «و روح ه' بر او قرار خواهد گرفت» و غیره؛ «و او حس خواهد کرد (ve-haricho)» و غیره.

19 וזהו ולציון יאמר איש ואיש יولد בה פי' שיהא הכל בבחי' איש אפי' [אפילו] בחי' בת

و این [معنای] «درباره صهیون گفته خواهد شد: "مرد و مرد در آن زاده شده است"» است؛ یعنی همه در مرتبه «مرد» خواهند بود، حتی جنبه «دختر».

והיינו מפני כי הוא יכוננה עליון שהמכון יהיה אור עליון מאד נעלה. וזהו כי הנני בא ושכנתי בתוכך.

הנני אני בעצמי כביכול ואוא"ס [اور אין סוף] ב"ה ממש.

و این از آن روست که «برترین (علיון, elyon) او را استوار خواهد ساخت»؛ یعنی بنیان (המכון, machon) نوری برین و بسیار والا خواهد بود. و این [معنای] «زیرا اینک می‌آیم و در میان تو ساکن خواهم شد» است: «اینک من»، خود من، گویی خود نور بی‌پایان (اور אין סוף, Or Ein Sof)؛ او متبارک است.

20 וזהו ענין נר חנוכה שתקנו על פתח הבית מבחוץ והוא כענין פתחו לי שערי צדק

و این است معنای چراغِ **חנוכה** (Chanukah)، که [حکیمان] مقرر کردند آن را در ورودی خانه، در بیرون، قرار دهند. این همانند معنای «دروازه‌های عدالت را برایم بگشایید» است،

פי' שערי צדק הם בחי' מבוא להיות בחי' צדקתך ירננו שע"ד זה תקנו פסוקי דזמרה

یعنی، «دروازه‌های عدالت» مرتبه‌ای به‌منزلهٔ مدخل برای مرتبهٔ «از عدالت تو خواهند سرود» هستند؛ بر همین اساس [حکیمان] **פסוקי דזמרה** (Pesukei deZimrah؛ آیات ستایش) را مقرر کردند.

אך מי שהוא מבחוץ לפתח שאין לו בחי' רננה והתפעלות הלב לא מפני זה יאבד ח"ו [חס ושלום] גלוי

אוא"ס [اور אין سوف] ב"ה על נפשו

اما کسی که بیرون دروازه است و مرتبهٔ سرود و شور و تپش قلب را ندارد، به‌سبب این امر، **ח"ו**، تجلی نور بی‌پایان (اور אין سوف، Or Ein Sof) بر جانش را از دست نمی‌دهد.

אלא תקנו להדליק אור ושמן על הפתח מבחוץ שגם מבחוץ לפתח יומשך אוא"ס [اور אין سوف] ב"ה בכל

מצוה שעושי' [שעושה] ותורה שלומד.

بلکه [حکیمان] مقرر کردند که نور و روغن را در ورودی، در بیرون، روشن کنند تا حتی بیرون دروازه نیز **اور אין سوف**، که متبارک باد، در هر **מצוה** (mitzvah؛ فرمانِ توراتی) که شخص به‌جا می‌آورد و در همهٔ **تורה** که می‌آموزد، نازل شود.

ולא עוד אלא שתקנת חכמים היתה להדליק על הפתח הסמוך לרשות הרבי' [הרבים] מבחוץ דהיינו

ברשות הרבים ממש מקום הקליפות לא הפכא חשוכא לנהורא כו' וזהו ונלוו גוים רבים אל ה':

و نه‌تنها این، بلکه مقرر حکیمان این بود که چراغ را در ورودی نزدیک به حوزهٔ عمومی، در بیرون، روشن کنند؛ یعنی در خود حوزهٔ عمومی، جایگاه **קליפות** (kelipos؛ پوسته‌ها)، تا تاریکی را به نور بدل کنند و غیره. و این است [معنای] «و ملت‌های بسیاری به **ה'** خواهند پیوست».



دربارهٔ این نسخه

.the English translation و This edition contains the Hebrew text

The Hebrew text of Torah Ohr: © Kehot Publication Society, via Sefaria, CC BY-NC 4.0; formatting adapted.

.Our English translation, made from the Hebrew without Kehot's notes: CC BY-NC 4.0

This edition as a whole: CC BY-NC 4.0. Shuls, schools and non-profit projects may copy, print and share it freely, and may ask for donations to cover the cost of printing; it may never be sold. Credit Kehot Publication Society and likuteitorah.com. <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

ترجمه و شرح انگلیسی: با کمک هوش مصنوعی (openai/gpt-6-luna-pro) برای likuteitorah.com تهیه شده و با متن عبری و سفاریا مقابله شده است؛ هنوز ویراستار انسانی آن را بازبینی نکرده است. لطفاً هر مطلب مهمی را با متن عبری مقابله کنید.

ربه خواست که ماماریم پارشای آن هفته، «پارشای حسیدی»، در همان هفته و در طول هفت روز آن آموخته شوند (Sichah of Shabbos Parshas Vayakhel 5725 · Toras Menachem vol. 42, pp. 306–309 /parsha). چرا آن را بیاموزیم و برکات ربه: likuteitorah.com/about/the-chassidishe-parsha

پروژه‌ای رایگان و غیرتجاری؛ هیچ‌چیز در اینجا فروخته نمی‌شود. وابسته به Kehot, Sefaria یا کتابخانهٔ لوباوویچ نیست. © likuteitorah.com

از likuteitorah.com/fa/torah-ohr/mikeitz/9/

تقدیم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربه، رب لیوی بیتسخاک